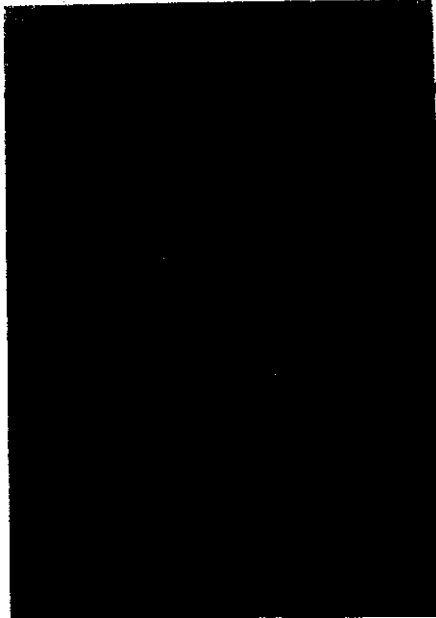


مختصر به سر نوشت آن در طول تاریخ گذشته داشته باشیم.

ابتدا زمینهای سیستان متعلق به دولت مرکزی ایران بوده وکلا اداره آنرا نیز دولت بر عهده داشته است. زمینهای دولتی در زمان ناصرالدین شاه به سردارها و خوانین محلی اجاره داده میشد. در سال ۱۳۱۱ در زمان رضاخان قلدن برنامه‌ای در مورد زمین اجرا میشود؛ بدین ترتیب که به هر زارع یک «سهم» معادل ۴ هکتار و به کنخدا تا سرداران مقدار متغیری بین ۲ سهم تا ۱۲۰ سهم و به شاهزادگان تا ۴۸۰ سهم زمین بصورت اجاره‌ای داده میشود. در سال ۱۳۱۶ زمینهای فوق‌الذکر از حالت اجاره‌ای بدر آمده و برای همیشه به خوانین و سردارها واگذار میشود.

با پیش آمدن رفرم آمریکایی «انقلاب سفید» و اصلاحاتی که میباید برای جلوگیری از سقوط رژیم و طبیعتاً تشیبت منافع آمریکا در ایران صورت می‌گرفت، لایحه اصلاحات ارضی در سیستان نیز همانند دیگر نقاط ایران اجرا گردید. با اینکه لایحه مربوط به اصلاحات ارضی در سال ۱۳۳۱ به تصویب رسید، ولی عملاً اجرای آن در سیستان به



برادر محمد جواد خیابانی عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان

در چهره آفتاب سوخته هر کشاورزی که در خله سیستان به گذران زندگی مشغول است، رنج سالیان دراز ظلم و استعمار موج می‌زند. چین و چروک های صورتشان هر کدام حدیثی است از رنج، درد و تباهی...

دستان پینه بسته شان روایت کار بی پایان و یو سرانجام بر روی زمین است. و گرده خمیده یک یک آنها معنای تلخ زجر و حرمان را تداعی می‌کند. خوانین سالها بر آنها حکم رانده‌اند و برای رفاه کاذب خویش، زندگی ساده و حتی نان بخور و نصیر را نیز از آنان دریغ کرده‌اند.

زمین سیستان همواره سینه خود را گشاده داشته تا پسر حیات بر روی آن افشاندن شود و شکوفه های زندگی بر تارک آن بشکفتد. تا مردمی با کار بر روی آن نانی به کف آرند و به زندگی خویش ادامه دهند. اما از آنجائی که همواره در طول تاریخ کسانی بوده‌اند که نه تنها کار نمی‌کرده‌اند، بلکه از حاصل کار دیگران نیز به ناحق استفاده می‌کرده‌اند، خوانین یعنی زمینداران و مالکین عمده دست بر روی زمین‌ها گذاشته و بازو و بندهای سیاسی، بر زمین حاکم شده و سرنوشت مردم را در دست گرفتند. کشاورزی در سیستان به غیر از ابزار آلات کشاورزی و وسایلی از این دست، به‌صورت عامل آب و زمین وابسته است. زمینی که داغ چندین بار اصلاحات ارضی را بر «پشته» دارد. در حال حاضر سرنوشت بیش از ۸۰٪ زمین‌های سیستان در گرو تعیین تکلیف لایحه اصلاحات ارضی و خصوصاً بند (ج) است و این در حالی است که غالب خوانین بعلت بی‌نیازی و تمکن مالی از کشت زمین‌ها خودداری می‌کنند.

آب مورد نیاز برای کشت زمین‌ها نیز توسط رودخانه هیرمند که از خاک افغانستان به سمت ایران جاری است، تامین می‌شود. ولی این تامین آب نیز همواره «مساله‌ساز» بوده و باعث منازعات سیاسی و امضای قرار دادهای چندی بین دولتین سابق ایران و افغانستان شده است. البته در حال حاضر بعلت جنگ داخلی در افغانستان مساله‌ای بنام آب وجود ندارد و آب هیرمند همواره بسوی دشت تشنه سیستان جاری می‌باشد ولی این روند جریانیت نیست که بتوان در دراز مدت روی آن حساب کرد.

مسئله «زمین»

❁: زمین های سیستان تابحال چندین بار شاهد اصلاحات ارضی از انواع

مختلف بوده‌اند، هم از اینرو اجرای لایحه اصلاحات ارضی اسلامی

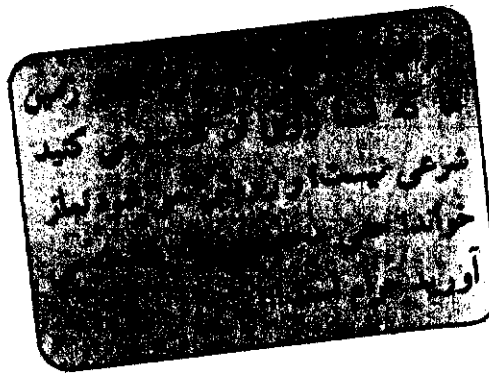
و بند (ج) با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده است.

سال ۱۳۲۵ کسیده شد. جالب اینجاست که مجریان این برنامه کسانی جز خود خوانین و فئودالها نبودند و بر اثر اقدامات مششع و درخشانشان در امر اصلاحات ارضی بیش از ۶۰٪ بر مقدار زمینهای خودشان افزوده شد و در این میان کشاورزان محروم و بی زمین سیستان را هیچ بهره‌ای حاصل نیامد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تصویب لایحه اصلاحات ارضی اسلامی، هیات هفت نفره واگذاری زمین در سیستان و بلوچستان نیز تشکیل گردید. هیات مذکور تحقیقات لازم در مورد وضعیت زمینهای حدود ۱۵۰ روستای سیستان را انجام داده و نسبت به واگذاری زمینهای مشمول بند «ج» که غالب زمینهای منطقه را شامل می‌شد، اقدام

عمده ترین مسأله‌ای که در رابطه با کشاورزی و رشد و گسترش آن در منطقه سیستان به چشم می‌خورد، مسأله زمین میباشد. در حال حاضر به لحاظ تامین آب برای مصارف کشاورزی، مسأله مهمی وجود ندارد، زیرا آب همچنان در بسترهای متدجاری است و بجز مسأله آب و هوا و سیل و یا خشکسالی که جدای از شرایط سیامین منطقه و روابط بین دولتین ایران و افغانستان قابل بررسی است، مسأله مهمی در این رابطه وجود ندارد. بغیر از آب و مسائلی که در رابطه با آن مطرح گردید، زمین مهمترین مسأله فعلی سیستان را تشکیل میدهد، برای شناخت بهتر از وضعیت فعلی زمین در سیستان بی‌مناسبت نیست نگاهی هر چند کوتاه و

مینمرد. وضعیت زمین در سیستان در حال حاضر ارتباط مشخصی با هیأت هفت نفره واگذاری زمین پیدا کرده است. زیرا بیش از ۸۰٪ زمینهای منطقه زمینهای «مسأله داری» است که بر طبق لایحه اصلاحات ارضی و بند «ج» می باید از تملک خوانین بدر آمده و توسط هیأت هفت نفره در اختیار کشاورزان قرار گیرد.

پس از توقف در اجرای بعضی از قسمت های لایحه، خوانین که جرات یافته و آفتابی شده بودند، به شایعه پراکنی و جو سازی علیه نهادهای انقلابی، مشغول شدند تا از این رهگزر بتوانند دو باره حاکمیت نامشروع خویش را بر زمینهایی که در واقع متعلق به روستائیان محروم بود، اعمال نمایند. مسئولان جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان بواسطه نوع کارشان در روستاهای این منطقه رابطه و آشنایی نزدیکی با مسائل زمین های این ناحیه دارند. برادر محمد جواد خیابانی یکی از اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان پیرامون مسأله خوانین و عملکرد آنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب چنین می گوید: «اگر بتوان کل خوانین استان سیستان و بلوچستان را به خوانین



دارای ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی یا ترکیبایی از این سه نوع تقسیم کرد، خوانین سیستان بیشتر دارای قدرت اقتصادی هستند البته اینها قبلا دارای قدرت سیاسی هم بوده و حتی بعضی از آنها ۱۶ سال نماینده و وکیل مردم در مجلس شاه بوده اند اما با این وجود هیچگاه مانند خوانین بلوچستان که دارای قدرت نظامی و ایادی مسلح

هستند، نبوده اند.

در حال حاضر هم بیشتر درگیریها با خوانین سیستان، درگیری سیاسی است و نه نظامی و اینها خودشان هم سعی میکنند از طریق سیاسی منافع خود را حفظ کرده و با دولت از در مخالفت و یا آبیانا درگیری های نظامی در نیایند. خوانین منطقه سیستان دارای املاک و زمینهای فراوانی هستند که بعضی از آنها بعد از انقلاب فراری شده و بعضی هم هنوز در منطقه حضور دارند. مهمترین نکته ای که در رابطه با خوانین بایستی متذکر شد، «مسأله ساز» بودن اینهاست. اینها فتودال هستند و هیچگاه در رابطه با مردم سابقه خوبی نداشته و همواره اذیت و آزار مردم را پیشه خود کرده اند. طبیعی است که خود مردم نیز آنها را نپذیرفته و با آنها مخالفت کرده و نابودی آنها را ارزو میکنند.

خوانین... حمله و هجوم به جهاد

بیشترین حملات و هجوم های فتودالها در

بقیه در صفحه ۵۹

«ن» و «هیأت هفت نفره» در سیستان



دژخان که زمانی نفوذناپذیر بود، بالاتر از همه خانه هاست و از کیلومترها دورتر نمایان است. اگر چه خانها اکنون فرار کرده اند اما هنوز آثار ظلم و ستم آنها از روستاهای محروم سیستان زنده شده است و خان گزیدگان این خطه هنوز همی از درد «گذران زندگی» نیاسوده اند.

مسأله «زمین»....

سیستان متوجه جهاد سازندگی بوده است، زیرا جهاد توانسته است با عملکرد صحیح و بجای خویش ریشه های قدرت آنها را بخشکند. مثلا در منطقه ای فلان خان با داشتن موتور پمپ و آسیاب و پلر قدرت حاکم بوده و کشاورزان نیز مجبور به حرف شنوی از او بوده اند. وقتی جهاد همین امکانات را در اختیار کشاورزان قرار دهد، طبیعی است که «خان» خود بخرد و بتدریج نابود میشود.

برادر خیابانی عضو شورای مرکزی جهاد استان سیستان و بلوچستان با اشاره به وضعیت فعلی خوانین ادامه میدهد: «درست است که جهاد توانسته است تا حدودی فتودالها را در فشار بگذارد ولی عمده ترین مسأله منطقه یعنی «زمین» هنوز حل نشده است، خصوصا پس از اینکه فعالیت هیأت هفت نفره دچار اشکال شده، اینها مجددا قدرت پیدا کرده و شروع به فعالیت کرده اند. گرچه ما تا بحال توانسته ایم جلوی فعالیت مخرب آنها را بگیریم ولی بطور اصولی هیچ راه حلی وجود ندارد. جز اینکه مسأله قانون زمین تصویب شود و به مرحله اجراء آید تا دست اینها نیز قطع شود. در غیر این صورت نمی توان انتظار داشت مسأله کشاورزی در سیستان به نحو مطلوبی حل شود و با توجه به اینکه بیش از ۸۰٪ زمینهای سیستان مشمول بند «ج» و لایحه اصلاحات ارضی اسلامی میباید و فعلا اجرای این لایحه نیز متوقف شده است، ارتباط تنگاتنگ مسأله زمین با هیأت هفت نفره واگذاری زمین هر چه بیشتر احساس میشود بنابر این برای شناخت هر چه بیشتر واقعیات می باید نظرات برادران مسئول این نهادها را نیز منظور نظر داشت.»

برای آشنایی بیشتر با چگونگی مسأله زمین در ناحیه سیستان نظرات چندتن از اعضای هیأت واگذاری را جویا شدیم که برادر مسعود مختار زاده یکی از اعضای هیأت هفت نفره واگذاری زمین در استان سیستان و بلوچستان در مورد عملکرد هیأت در رابطه با زمینهای سیستان چنین میگوید: «بعد از انقلاب برادران گروه تحقیق زابل، در خیلی از روستا ها شورای اسلامی برای انجام امور روستائیان، بخصوص واگذاری زمین تشکیل دارند. نفس ایجاد شوراهای برای واگذاری زمین نشان میدهد که مردم آمادگی تقسیم زمین را پشتند دارند. در زمانی که بند «ج» در حال تحقیق و اجرا بود، خبری از خوانین نبود، ولی وقتی مسأله توقف بند «ج» پیش آمد، اینها امتیازاتی کسب کرده و فکر کردند که میتوانند وضعیت سابق را اعاده کنند. دوباره سرو کله آنها پیدا شد و اغلب آنها که حتی فراری بودند، دوباره آفتابی شده و فکر کردند که میتوانند امتیازی بگیرند.

اینها به خیال خود برای جلوگیری از دخالت

هیأت و تظاهر به اینکه زمینهایشان کاشته شده است، روی زمین تراکتور انداخته و آنرا شخم میزدند ولی از کاشتن آن خودداری میکردند، زیرا بر اثر تمکن مالی نیازی به محصول آن نداشته و از طرفی هیچ احساسی مسئولیتی هم در رابطه با انقلاب و جمهوری اسلامی احساس نمیکردند.

تشکیل شوراهای کشت

ولی پس از گذشت مدت زمانی و تشکیل «شورای کشته» تا حدود زیاد طی سالیان اخیر

* پس از توقف اصلاحات

ارضی و بند (ج)، شورای کشت زابل، متشکل از نمایندگان ارگانهای ذیربط، با توجه به مشروعیت قانونی که داشت، شروع به اجاره دادن زمین های بلا تکلیف و معطل به کشاورزان فاقد زمین و برای مدت یکسال نمود.

* بعضی از خوانین با استفاده

از تمکن مالی، و برای مظلوم نمائی، تلگرام های یک متری! برای مقامات مسئول مملکتی می فرستند.

گرفته شد. بدین ترتیب که شورای کشت متشکل از نمایندگان جهاد، سپاه، فرمانداری و ارگانهای ذیربط و مسئول دیگر، شروع به اجاره دادن زمینهای مربوط به کشاورزان فاقد زمین برای مدت یکسال نمود. بر اثر این اقدام بجای شورای کشت زابل غالب زمینهایی که مشمول بند «ج» شده و خوانین از کاشت آن خودداری می نمودند، بمدت یکسال در اجاره کشاورزان قرار گرفت.

البته باید در نظر داشت که اینگونه اعمال موقتی است و اجاره زمینها به مدت یکساله است و تکلیف زمینهای سیستان مگر با اجرای بند «ج» معلوم و مشخص نمیشود.

برادر مختار زاده در مورد افزایش کاشت زمین در رابطه با فعالیت های شورای کشت می گوید: «با توجه به قانونیت و رسمیتی که شورای کشت دارد و با توجه به اینکه این شورا خود دارای قدرت عمل اجرایی می باشد، توانسته است سطح زیر کشت را در سال ۵۹ یعنی در سالی که این شورا شروع به فعالیت نموده است، بیش از ۲۰ الی ۳۰ هزار هکتار

افزایش بدهد. در سال ۵۹ بیش از ۹۰ هزار هکتار به زیر کشت رفت که نسبت به مقدار کشت زمین در سالهای قبل که چیزی در حدود ۶۰ هزار هکتار بوده است، افزایش بی سابقه ای را نشان میدهد.

این شورا از طریق آگهی های رادیویی به مالکین زمینهایی که زمین شان را نکاشته اند، اخطارهای، مبنی بر کاشت زمین میدهد و پس از اخطاریه های متوالی و در حالیکه مالک نسبت به کاشت زمین هیچگونه اقدامی به عمل نیاورده باشد، راسا وارد عمل شده و زمین مزبور را به کشاورزان فاقد زمین بمدت یکسال اجاره میدهد. البته در بعضی از روستاها که کشاورزان آن قبلا مطلب خشکسالی و یا دلایل دیگری از این دست، روستاهایشان را ترک کرده اند و فعلا «کشاورزی» برای واگذاری زمین به او وجود ندارد، شورای کشت زمینها را به جهاد سازندگی اجاره میدهد.»

تعیین عرف محل

برادر مختار زاده در مورد «عرف محل» و تعیین حدود آن افزود: «اخیرا با توجه به جو ایجاد شده و صحبت های آیت الله مشکینی در نماز جمعه قم و حجت الاسلام هاشمی در نماز جمعه تهران، مشغول تعیین «عرف محل» در زابل هستیم. «عرف محل» مقدار زمینی است که یک کشاورز باید داشته باشد تا بطور معمول زندگی خود و خانواده اش از راه درآمد آن تامین شود. لازم به توضیح است که «عرف محل» هیچوقت ضامن اجرایی ندارد ولی در هر صورت معیاری بدست می دهد که به هر کس چقدر زمین باید واگذار بشود.»

خانهای ستمگر و چپاولگر سیستان سالیان سال است که با استثمار کشاورزان زابل و مکیدن خون آنها به زندگی ننگین و سر تا پا جور و چنابت خویش ادامه داده اند و مسلما نمی توانند از دست رفتن منافع نامشروع خویش را تحمل کرده و لاقبل عملی در جهت ابقای وضعیت سابق انجام ندهند. آنها با استفاده از شرایط سیاسی منطقه و شایعه پراکنی بر علیه ارگانهای انقلابی مثل جهاد و سپاه و هیأت هفت نفره بزرگترین ضربه ها را بر پیکره انقلاب وارد می لورند.

خوانین سد راه انقلاب

برادر کبگانیان عضو دیگر هیأت هفت نفره واگذاری زمین استان سیستان و بلوچستان در مورد موانعی که سد راه فعالیت هیأت میشود می گوید: «در سیستان اکثر این موانع ناشی از وجود خوانین است که با جوسازی و شایعه پراکنی شروع به ایجاد مانع می کنند. یعنی اینکه اکثرا به مسایل اطاری وارد هستند و با تهیه طومارهای مصنوعی و کاذب و یا گرفتن امضا از ایادی خودشان، فرزندان و خانواده

بقیه در صفحه ۲۹

گزارشی کوتاه....

مملکت به زمین های واگذاری رسانیده اند. اینهمه با همکاری صمیمانه نهادهای انقلابی، ادارات، و خصوصا سازندگی بوده ولی متاسفانه هیئت های هفت نفره در بعضی مناطق مواجه با عدم همکاری بعضی از ادارات و نهادها و شخصیت ها و جریانات سیاسی خاص بوده اند که استان فارس نمونه بارز آنست که هیئت قبل از دست زدن بکوچکترین عملی آماج شدیدترین ومغرضانه ترین حملات و کارشکنی ها واقع شد تا آنجا که شروع و ادامه کار را حداقل غیر ممکن می ساخت. بعلاوه نبودن نیروی کار آمد و یا حداقل کمبود آن و عدم امکانات که ذکرش رفت - از سرعت این حرکت می کاست. لازم بتذکر است که هیئت های هفت نفره در مواردی با نبودن حاکم شرع که نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن و پیاده کردن قانون برعهده اوست مواجه بوده اند - که این مشکل بزرگی را پیش پای هیئت ها نهاده است. شخصا بامر کشاورزی اشتغال داشتن، بهای نسق، مشخص نبودن بعضی واژه ها در قانون و این نامه، مثل عدم تفکیک مرزها از لحاظ اجرایی «برخورد مراتع زمینهای ملی» و مشخص نبودن تکلیف قطعی مواجه می سازد - مشکلاتی برای ستاد مرکزی و هیئت ها پدید آورده است که البته بعضی از آنها در جریان عمل حل و بعضی از نظر قانونی مانند مسئله ارت هنوز هم نامشخص می باشد. در این مدت شایعات وجوسازیها و اتهامات گوناگونی بر علیه هیئت بوده است وشکایات بسیار

از عملکرد آنها که خالی از سؤنیت نبوده است. چه باوجود رسیدگی مکرر به شکایات بعضی از شکایات و اثبات عدم حقانیت شاکی بمراجع دیگر دردها مورد شکایت برده شده است. که اگر احیانا هیاتهای استنباهی مرتکب شده اند اکثرا عمدی نبوده است بلکه بیشتر آنها مربوط به برداشت اشتباه از قانون بوده است. اضافه میشود که ستاد مرکزی واگذاری زمین از بدو شروع کار هیاتها منطما گروهانی جهت بازرسی هیاتها اعزام داشته و اگر عملکرد هیات در حد نامطلوب و احیانا برخلاف آئین

نامه ها و بخشنامه های ارسالی بوده، یا افرادی منحرف از نظر فکری و سیاسی در آنجا رسوخ کرده، در مواردی کل هیات را تعویض ویاتغییر وتبديل وتحولاتی در آنها انجام داده است که بعنوان نمونه هیئت آذربایجان شرقی بمرکزیت تبریز و هیئت زنجان ذکر میشود. که دراولی افراد هیئت بکلی تعویض ودردومی اکثر اعضا (۴ نفر از ۵ نفر) تغییر داده شده اند. و اینک گزارش هیاتهای واگذاری به نظر امت شهید پرور ایران میرسد.

ستاد مرکزی هیئت های هفت نفره واگذاری زمین

جدول خلاصه فعالیت هیاتهای واگذاری زمین سراسر کشور از بدوتاسیس دیمه سال ۶۰

تعداد مشاعهای تشکیل شد	تعداد مشاعهای تشکیل شد	خدمات و وام پرداخت شده	هکتار	اراضی واگذاری شده
۶۰۶۳	تعداد خانوار	۱۱۰۰	۳۰۱۱۶	دایر
۳۹۵۷		معرفی ونظارت هیئت به منظور اخذ تراکتور واگذار شده	۸۵۵	بایر
		پمپ وموتور آلات	۲۵۰۲۹۴/۵	موات
		سایر ماشین آلات	۱۴۶۱۴	مصادره ای
		چاه عمیق ونیمه عمیق	۷۰۱۴۳/۸	جهت تاسیسات
		وام پرداختی	۸۱۰۱۷۰	کشت موقت
		۸۰۸۳۸۳۸۲۱۱۱		
			۱۱۷۶۱۹۳۸	جمع کل اراضی واگذار شده

مسئله «زمین»....

های آنان طومارهایی را به مجلس و مقامات مملکتی می دادند تا بتوانند از این طریق ذهن مسئولین مملکتی را نسبت به فعالیت هیاتهای هفت نفره تحت تاثیر قرار دهند.

در بعضی از مناطق نیز برادران هیات را تهدید به آزار و قتل می کردند تا مانع کار هیات در روستاها شوند. حتی زمینهای موات و بند «الف» وقتی واگذار می شد، خوانین عکس العمل نشان میدادند و اشکال تراشی میکردند و با نفوذی که در بعضی از ادارات مانند جنگلبانی، سازمان آب و غیره داشتند، سعی میکردند از طریق مانعی جلوی کار هیات علم کنند. فرضا اعلام کنند این چاه آب غیر قانونی است و به کشاورزی منطقه ضربه می زند و... ولی هیات با این مساله هم بطور قانونی برخورد کرد و این مانع را هم از میان برداشت. ما حتی نمونه هایی داشتیم که وقتی خوانین می دیدند حيله هایشان تاثیری ندارد، به زور متوسل می

شدند. مثلا خانی در منطقه ای نفوذ داشت و وقتی دید مانع تراشی اش هیچ نتیجه ای نمی دهد، عده ای مسلح را به سرچاهی که حفاری آن توسط هیات صورت می گرفت برد و از حفاری آن جلوگیری کرد. باز هم وقتی با قاطعیت جهاد و سپاه چاه زده شد، شبانه آمدند و با آهن و فلزات مختلف چاه مذبور را پر کردند تا دیگر قابل استفاده نباشد»

تلگرام یک متری!

برادر کاظمی عضو دیگر هیات هفت نفره واگذاری زمین در رابطه با شیوه های خانها برای حفظ زمین های نامشروعشان و برای مظلوم نمایی هرچه بیشتر می گوید: اینها بر اثر تمکن مالی که دارند، گاهی وقتها تلگرام های یک متری! مستقیما از زابل به تهران و برای ارکانهای مختلف مثل

شورای عالی قضایی، مجلس، وزارت کشاورزی، ستاد مرکزی واگذاری زمین و غیره می فرستند یا مثلا تبلیغاتی در روستاها براه می اندازند که این زمینها که شما روی آن کار می کنید و کشت می کنید، شرعی نیست و رویش نمیشود نماز خواند! حتی محصولی که بدست می آورید حرام است! و... هدف اینها از این تبلیغات این بود که بدروغ ثابت کنند که شورای کشت در زابل کارهای غیر قانونی می کند و متاسفانه اخیرا کسانی راستویز قرار داده اند که در منطقه سیستان وجهه اجتماعی دارند و این برای ما مایه تأسف است که اینها در مقابل نهادهایی مثل جهاد سازندگی و هیات هفت نفره، شورای کشت و دیگر ارگانها که در فکر مردم بوده و به درد آنها می رسند، می ایستند تضعیف ارگانهای انقلابی، مسلما حرکتی در جهت اسلام نخواهد بود و این مستغذین متاسفانه به وظایف خود عمل نمی کنند.